

علل شکست تعلیمات حرفه‌ای در ایران

-۲-

عامل دیگری که در شکست تعلیمات حرفه‌ای مؤثر واقع شد کم ارزش شناختن مدارك تحصیلی این قبیل آموزشگاهها و محرومیت فارغ التحصیلان از ادامه تحصیلات عالی بود . این اقدام دانشجویان را از تعقیب رشته‌های مورد علاقه خود در مدارس فنی و حرفه‌ای دلسرد نموده و ورود بدان‌شگاه را محدود به دانشجو یانی میکند که قبلاً يك دوره آموزش خشك علمی در مدارس متوسطه نظری دیده‌اند. شاید صحیح باشد که بسیاری از دانشجویان نباید وارد دانشگاه شوند ولی هیچ برنامه‌ای نباید درهای دانشگاه را بروی دانشجویان شایسته و قابل بیند .

در کشورهای متمدنی پس از خاتمه تحصیلات مقدماتی استعداد های اطفال را بوسیله امتحانات دقیق طبی و روانشناسی و بوسیله معلمان و کارشناسان مجرب تعیین و نسبت با انتخاب رشته تحصیلی طفل نظر مشورتی میدهند. طبق قانون در کشور فرانسه کلیه اطفال باید دوره راهنمایی را که مدت آن ۲ سال است طی کنند و در طی این مدت معلمان و کارشناسان تعلیم و تربیت با دقت استعداد و قابلیت اطفال را ارزش یابی می کنند و میزان استعداد و پشت کار ، سرعت عمل ، نواقص جسمی ، نقاط ضعف اخلاقی ، میزان علاقه و پیشرفت تحصیلی طفل را در پرونده بخصوصی ثبت مینمایند و در شوراهای مخصوص که با شرکت معلمان مربوط و مشاور مؤسسه راهنمایی تحصیلی تشکیل میشود نسبت بفرد فرد اطفال با در نظر گرفتن پرونده تحصیلی تصمیمات بی طرفانه میگیرند .

بدین ترتیب کسانی بدنبال تحصیلات نظری میروند که استعداد و قابلیت این قبیل تحصیلات را داشته باشند همچنین ملاک هدایت اطفال بسوی

تعلیمات حرفه‌ای و فنی قابلیت و استعداد آنهاست نه شرایط اقتصادی و روابط اجتماعی.

در کشور ما پس از ملی شدن دبیرستانها طبقه بندی دانش آموزان و تقسیم آنها بین دبیرستانهای عادی و حرفه‌ای تابع وضع خانوادگی و امکانات مادی افراد شده است و حال آنکه عده زیادی از دانش آموزان که تحصیلات متوسطه را ادامه میدهند نه تنها استعداد و رودبه دانشگاه و تحصیلات عالی را ندارند بلکه دوره دبیرستان را هم بزحمت طی میکنند در صورتی که اگر سازمان مجهری وجود می داشت و استعداد افراد را پس از ختم تحصیلات ابتدائی می سنجید و هر گروهی را بقسمتی روانه میکرد که ذوق و استعداد داشتند وجود این قبیل افراد که پس از زحمات زیاد بیکاره تربیت میشوند هم بحال خودشان مفید بودهم بحال مملکت از طرف دیگر وقتی حساب معاینات دقیق طبی و روانشناسی بعمل آمد و اصول و ضوابط علمی ملاک تقسیم بندی افراد و هدایت آنها قرار گرفت امتیازات طبقاتی خودبخود از بین خواهد رفت و معیار پیشرفت و ترقی اجتماعی افراد قابلیت و استعداد فطری و اکتسابی آنها خواهد بود نه ثروت و مکتب خانوادگی بنابراین محدودیت تعلیمات متوسطه بطریقی که تاکنون عمل شده موجب ایراد است از طرفی بین دوره اول و دوم دبیرستان باید تفکیک قائل شد دوره اول در حقیقت دنباله تعلیمات ابتدائی است و امروزه صحبت در این است که تا میتوانند مدت تعلیمات عمومی را تمدید کنند. طرح کراچی مدت تعلیمات ابتدائی عمومی و مجانی را در کشورهای آسیائی ۸ سال پیش پیشنهاد کرده است - در بعضی از کشورها تعلیمات عمومی را برای کلیه اطفال تا ۱۶ سالگی اجباری میدانند ولی در ایران که ۵۰٪ اطفال لازم التعلیم در خارج از دبستان هستند و هنوز تعلیمات ۶ ساله عمومی و اجباری اجرا نشده نباید باین زودی انتظار عملی شدن این آرزوها را داشت. بنابراین وقتی صحبت از محدودیت تحصیلات دبیرستانی میشود باید این محدودیت را متوجه دوره دوم کرد.

تاسیس دوره دوم دبیرستان در نقاط دورافتاده مملکت که اعزام دبیران شایسته بهیچوجه امکان ندارد نوعی اسراف و اتلاف سرمایه و نیروی انسانی است.

باید در این قبیل مناطق که تعلیمات ابتدائی توسعه کافی ندارد و کمبود آموزگار محسوس است بجای تاسیس دوره دوم نظری اقدام به تاسیس کلاسهای تربیت معلم کرد و افرادی را که مایل بادامه تحصیل هستند برای شغل آموزگاری تربیت کرد تا پس از ختم تحصیل بتوانند کار مثبتی انجام دهند و بیکاره و سربار خانواده خود نباشند و مملکت هم بتواند از وجود آنها استفاده کند.

بجای تاسیس دوره اول دبیرستانهای عادی در این قبیل نواحی باید با در نظر گرفتن احتیاجات محل اقدام بتاسیس مدارس مخصوص نمود. در فرانسه برای دانش آموزانی که دوره مقدماتی را بی پایان رسانیده و مایل به ادامه تحصیلات عالی نیستند و میخواهند وارد زندگی اجتماعی شده و در

یکی از فعالیتهای صنفی و کشاورزی - بازرگانی یا اداری مشغول به کار شوند مدارس تاسیس کرده‌اند که نوع تعلیمات آنها بدر نظر گرفتن مقتضیات محلی قابل تغییر است موسسات صنعتی و تجاری، شهر داریها، سندیکاهای کارگری و اجتماعات صنفی در اداره این قبیل مدارس شرکت دارند و دانش آموزان در ضمن تحصیل خود را برای انجام خدمتی که در آینده بعهده خواهند داشت آماده می‌سازند این قبیل مدارس در حقیقت وابسته بمدارس ابتدائی هستند و در مراحل اولیه تکامل وضع تعلیم و تربیت میتوانند نقش بزرگی را در تربیت جوانان بعهده گیرند - در امریکا و کانادا هم این قبیل مدارس فراوانند زیرا تمایل عمومی بر این است که تعداد بیشتری بتوانند تعلیمات متوسطه را طی کنند و برای کلیه اطفال تاحد توانائی مالی و فکری امکان ادامه تحصیل وجود داشته باشد.

علت دیگر شکست تعلیمات فنی و حرفه‌ای ناشی از این بود که این قبیل موسسات قبل از بروز احتیاجات مشخصی در زمینه فعالیتهای کشاورزی یا صنعتی و فقط بر اثر تصمیمات اداری و باقتضای تمایلات خاص و نظرات فردی بوجود آمد و رشد و توسعه آنها هیچگونه ارتباطی با احتیاجات بازار کار و شرایط اقتصادی محیط نداشت. در محلی که قابلیت کشت نداشت بر اثر توصیه و اعمال نفوذ دانشسرای کشاورزی دایر کردند و میلیون‌ها ریال سرمایه و ماشین آلات کشاورزی و مهندس و معلم را عاطل و باطل ساختند برنامه آموزشی با احتیاجات بازار کار منطبق نبود و فارغ‌التحصیلان بزرحمت میتوانستند کاری پیدا کنند. این قبیل موسسات بعلت عدم هماهنگی با شرایط بازار کار و با ضمه‌حلال زفت - سر نوشت دانشسرای کشاورزی و فارغ‌التحصیلان آنها بهترین گواه این مدعا است.

بررسی دقیق و ارزش‌یابی کار موسسات حرفه‌ای نشان خواهد داد که تا چه میزان سرمایه‌های عمرانی مملکت که در راه توسعه تعلیمات فنی و حرفه‌ای به کار افتاده است را کمدانده و چه خسارت قابل ملاحظه‌ای از لحاظ نیروی انسانی وارد آمده است.

۵ - برنامه مدارس متوسطه

جوانی که در دبیرستان تحصیل میکند باید برای زندگی اجتماعی آماده شود و در صورت امکان کار و حرفه‌ای را فراگیرد که بتواند باسانی معاش خود را تأمین کند بنابراین برنامه‌های تحصیلاتی مدارس متوسطه باید علاوه بر تربیت افراد مطلع جوابگوی این قبیل احتیاجات باشد و چون این احتیاجات دستخوش تغییر و تحول دائمی است برنامه‌های تعلیماتی نیز باید هماهنگ با تغییرات فنی و اجتماعی قابل انعطاف باشد.

پس از جنگ جهانی دوم اکثر ممالک دنیا در برنامه‌های تعلیماتی خود بخصوص در سطح تعلیمات متوسطه تجدید نظر کردند و آنرا به احتیاجات مملکت و مقتضیات زمان منطبق ساختند ولی در کشور ما هر وقت صحبت از تجدید نظر در برنامه یا بهبود آموزش و پرورش بمیان می‌آید

- اذهان متوجه کمیت می‌شود نه کیفیت .
- در هر نقطه کشور که ۱۵ تا ۲۰ دانش آموز پیدا شد و اداره آموزش و پرورش محل یا اولیاء آنها تقاضا فرستادند و احیانا سماجت نشان دادند . کلاس دبیرستان دایر می‌شود و یکی از کارکنان آموزشی عهده‌دار تدریس و اداره کلاس می‌گردد تا بعد چشود ! غافل از این که برای تاسیس دبیرستان مقدماتی لازم است و دبیرستان بدون کتابخانه « کارگاه » « آزمایشگاه » « تالار اجتماعات » زمین ورزش و غیره تصویری از دبیرستان خواهد بود .
- در اصلاح برنامه هم بیشتر به کمیت پرداخته‌اند و حال آنکه در اصلاح برنامه های تحصیلی رعایت اصول زیر ضرور بنظر میرسد :
- ۱ - بهبود کمیت تحصیلات و سعی در انطباق آن با استعدادها -
 - ۲ - ایجاد تنوع در رشته‌های تحصیلی تا دانش آموز بتواند رشته مورد علاقه خود را انتخاب کند و آنرا با استعداد و توانائی فکری خویش وفق دهد .
 - ۳ - تطبیق هدفهای آموزش و پرورش با احتیاجات جامعه با در نظر گرفتن تحولات اجتماعی و اقتصادی و فنی .
 - ۴ - آماده کردن دانش آموزان برای زندگی اجتماعی و قبول مسئولیت .
 - ۵ - تقویت حس ملیت و ایجاد نوعی حسن تفاهم و تعاون بین المللی .
- در این زمینه سخن بسیار است و در فرصت مناسب تجدید مطلع خواهد شد .

۶ - فعالیت‌های فوق برنامه

فعالیت‌های فوق برنامه در تعلیم و تربیت دانش آموزان نقش عمده‌ای را بعهده دارد . شخصیت واقعی طفل در میدان بازی، صحنه نمایش، کتابخانه یا سالن سخنرانی تجلی می‌کند و آنجاست که باید به تربیت و هدایت او اقدام کرد . تعلیم و تربیت در کلاسهای خشک و در بسته محصولی جسر همین افراد ناسازگار و مایوس و بی‌کار نخواهد داشت - دانش آموزان باید دیدبیشتر وقت خود را در مدرسه بگذرانند و برای مطالعه آزاد و توسعه معلومات خود از کتب کتابخانه استفاده نمایند یا ساعات فراغت را در محیط آموزشگاه به تفریحات سالم و آموزنده بگذرانند .

توسعه فعالیت‌های تربیتی و فوق برنامه موجب بروز استعداد و توسعه حس ابتکار و علاقه‌مندی دانش آموز و جلوه‌گر ساختن شخصیت واقعی او میشود بهمین جهت لازم است که این کار زیر نظر یک یا چند نفر از معلمان انجام گیرد . تشکیل جلسات سخنرانی - تنظیم نمایشات، اجرای مسابقات ورزشی ، هدایت شاگردان به موسسات صنعتی ، موزه‌ها، نمایشگاهها، تشکیل اردو های خارج از شهر و غیره از فعالیت‌های مفید و لازمی است

که بدون مشارکت معلمان عملی نخواهد بود .
در مدارس بزرگ برای هر يك از این فعالیت ها معلم و راهنمای خاص می گمارند ولی شرکت عموم معلمان ولو اینکه مسئولیت خاص در این مورد نداشته باشند ضرور و مفید است و بآنها فرصت میدهد که روحیه دانش آموزان را از نزدیک مطالعه کنند و در اصلاح معایب آن‌ها و تقویت فضائل اخلاقی بکوشند .

در مدارس ماتنها مواد نظری و علمی را مهم می‌شمارند و سعی تنظیم کنندگان برنامه ها تا مین معلم برای دروس نظری است حال آنکه آموزش و پرورش را نمیتوان از یکدیگر تفکیک کرد .

بهمان اندازه که درس ریاضیات برای پرورش قوای فکری دانش آموز ضرورت دارد = ورزش و فعالیت‌های بدنی = تشکیل مجالس سخنرانی و نمایش و گردش و تفریح هم برای رشد جسمی او لازم و ضرور است .
دانش آموز فقط در مدتی که در کلاس درس مشغول است خود را مقید به یادگیری و حتی رعایت مقررات و اصول و آداب معاشرت میدانند و بمحض اینکه درس تمام شد گوئی از بند چسته‌است = درس و کتاب را بگوشه‌ای می‌اندازد و پی همه‌کاری رود جز تحقیق و مطالعه متاسفانه معلم هم دست کمی از او ندارد = برای اتمام ساعات کار دقیقه شماری می‌کنند بسیاری از معلمان حوصله دقایق آخر کلاس را ندارند و قبل از زنگ خارج میشوند آنها که کلاس خارج دارند خودشان را زودتر بکلاس میرسانند که حق التدریس را از دست ندهند و عده‌ای هم جهت تامین کسری مخارج زندگی پی کسب و کار میروند. کمتر معلمی یافت میشود که در مدرسه بماند و باشکالات دانش آموزان پاسخ گوید و یا آنها را راهنمایی کند و یا مسئولیت های خارج از برنامه را قبول کند - حتی در این چند سال اخیر که صحبت از فعالیت های فوق برنامه شده است و در بعضی از مدارس هم کلوپهائی تشکیل شده هدف اصلی گرفتن اضافه کار بوده است - البته این فرار از کار و فراهم ساختن اشتغالات دیگر تا اندازه‌ای معلول علل اقتصادی است - حقوق معلم باید باندازه‌ای باشد که تکافوی مخارج او را بنماید و او را از اشغالات دیگر باز دارد - البته باید بمعلمان علاقه‌مند و مبتکر که عده آنها انگشت شمار است و وقت عزیز خود را صرف مطالعه و هدایت شاگردان و انجام کارهای مربوط به دبیرستان می‌کنند فوق العاده متناسب پرداخت تا هم اینان بکار خود تشویق شوند و هم سایرین جهت فعالیت خود را تغییر دهند - مسلما تا وقتی که ترفیع و اضافه حقوق و ارتقاء معلمان تابع مقررات غیر قابل انعطاف کارگزینی باشد و ملاک و ضابطه معلوم و معینی برای ارزش یابی از کار معلم در بین نباشد و مزایای مادی معلمان بر ملاک دوستی‌ها و آشنائی‌ها و احيانا زدوبندهای دیگر انجام شود انتظار تغییر این وضع را نباید داشت .

توزیع و نسبت افزایش دانش آموزان متوسطه در چندسال اخیر

جدول شماره ۳۰

درصد دانش آموزان		متوسطه		جمع کل		مدارس ها		مدارس حرفه‌ای		دبیرستانهای عالی		سال	
مدارس حرفه‌ای به کل	دانش آموزان متوسطه	نسبت	افزایش	شماره	دانش آموزان	نسبت	افزایش	شماره	دانش آموزان	نسبت	افزایش	دانش آموزان	سال
۲/۸۸	۱۰۰	۲۲۹۱۴۷	۱۰۰	۲۷۲۵	۱۰۰	۶۵۹۳	۱۰۰	۲۱۸۸۳۴	۱۰۰	۲۷-۲۸			
۲/۵۱	۱۵/۷	۲۶۵۲۱۵	۲۰/۳	۴۴۷۶	۱۲/۲	۷۹۸۸	۱۵/۵	۲۵۲۷۴۶	۲۸-۲۹				
۲/۱۴	۱۲/۳	۲۹۷۷۹۳	۲۵/۶	۶۵۱۷	۱۷	۹۳۳۸	۱۱/۵	۲۸۱۹۲۸	۲۹-۴۰				
۲/۹۵	۵/۵	۳۱۴۲۲۲	-۲۳/۶	۴۲۶۵	-۲/۵	۹۱۱۷	۶/۷	۳۰۰۸۵۵	۴۰-۴۱				
۲/۷۲	۷/۷	۳۳۸۴۷۶	-۴۳/۱	۲۴۲۲	۰/۹	۹۱۹۸	۸/۶	۳۲۶۸۵۶	۴۱-۴۲				
۲/۷۵	۱۲/۳	۲۸۰۲۴۹	-۷۵/۶	۷۱۳	۱۳/۸	۱۵۴۶۷	۱۲/۹	۳۶۹۰۵۹	۴۲-۴۳				

مأخذ - آمار اجمالی چند ساله اخیر اداره آمار وزارت آموزش و پرورش

جدول شماره ۴
شماره کارکنان آموزش مدارس متوسطه از لحاظ سمت

جمع کل	اظهار نشره	منفرقه	متصدی آزمایشگاه	کارمند دفتر	نظم	رئیس دبیرستان	دبیر	سال
۹۲۹۵	—	۱۳	—	۹۷۳	۷۸۷	۸۶۶	۶۵۳۸	۱۳۳۷—۳۸
۹۹۷۲	۶	۲	۶۵	۱۰۷۲	۴۴۵	۹۵۵	۷۴۲۷	۳۳۸—۳۹
۱۰۵۸۰	۵	۳۵	۱۴	۱۲۷۱	۴۲۲	۹۱۸	۷۸۸۵	۱۳۳۹—۴۰
۱۱۵۷۴	—	۴۸	—	۱۱۳۵	۴۶۲	۱۰۳۱	۸۸۹	۱۳۴۰—۴۱

جدول شماره ۵
کارکنان آموزشی مدارس متوسطه از لحاظ مدرک تحصیلی

جمع کل	منفرقه و معلومات قدیم	شماره ابتدائی	دوره اول	دبیرم پنجاه	دانشسراها	دبیرم شش ساله	لیسانس و بالاتر	سال
۹۲۹۵	۴۲۷	۳۲۷	۴۰۹	۷۱۲	۱۶۶۱	۲۰۲۷	۳۷۲۲	۱۳۳۷—۳۸
۹۹۷۲	۳۳۹	۳۳۰	۴۲۲	۲۲۹۶	—	۲۵۴۹	۳۰۴۶	۱۳۳۸—۳۹
۱۰۵۸۰	۳۵۴	۴۰۴	۴۰۶	۲۳۹۶	—	۲۹۱۲	۴۲۰۹	۱۳۳۹—۴۰
۱۱۵۷۴	۲۸۴	۲۷۴	۴۲۱	۲۱۳۸	—	۳۴۸۶	۴۹۷۱	۱۳۴۰—۴۱

۷- تربیت دبیر

موضوع تربیت دبیر و انتخاب کارکنان دبیرستانها از مسایل بفرنج این مملکت شده است. توسعه کمی دبیرستانها و افزایش دانش آموزان در سالهای اخیر مسئله کمبود دبیر واجد شرایط را به وجود آورده و وزارت آموزش و پرورش ناچار شده است برای تدریس در کلاسهای دبیرستانها از وجود افرادی که صلاحیت کمتری دارند استفاده کند. آمار سال تحصیلی ۴۱- ۱۳۴۰ نشان میدهد بیش از ۶۰۰۰ نفر از کارکنان دبیرستانها دارای مدرک کمتر از لیسانس بوده‌اند - تعداد لیسانسیه‌های شاغل در دبیرستانها ۴۹۷۱ نفر یا ۴۳٪ کل کارکنان دبیرستانها بوده است در صورتی که در همین سال ۵۴۷۶ کلاس دوره اول و ۲۵۹۵ کلاس دوره دوم دبیرستان در سراسر مملکت دائر بوده و در صورتی که ۱۰۳۱ نفر رئیس دبیرستان را لیسانسیه محسوب و فرض کنیم دبیران لیسانسیه فقط در دوره دوم دبیرستان تدریس می‌کرده‌اند ۱۳۴۵ نفر لیسانسیه با کمک عده‌ای دیپلمه و فارغ‌التحصیل دوره اول و حتی ششم ابتدائی عهده‌دار تدریس مواد دوره اول دبیرستان بوده‌اند. تعداد دبیران شاغل به تدریس ۷۶٪ کل کارکنان آموزشی و نسبت تراکم شاگرد در کلاسهای دوره اول دبیرستان ۴+ و در کلاسهای دوره دوم ۳۵ و نسبت معلم و شاگرد در سراسر کشور يك بر ۳۳ بوده است.

جداول شماره ۴ و ۵ توزیع کارکنان آموزشی دبیرستانها را از سال تحصیلی ۳۸- ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۱ نشان می‌دهد.

دانشسرای عالی تهران که مرکز تربیت دبیر به‌شمار می‌رفت در سال تحصیلی ۴۳- ۱۳۴۲ آخرین گروه فارغ‌التحصیلان لیسانسیه خود را بیرون فرستاد و تکلیف تربیت معلم برای دبیرستانها هنوز روشن نشده است.

آنچه مسلم است تدریس مواد تعلیمات متوسطه در دوره دوم منحصر باید بوسیله دبیرانی تأمین گردد که پس از اتمام تحصیلات دبیرستانی در موسسات مخصوص تربیت معلم تعلیمات لازم را که دوره آن کمتر از سه‌سال نباشد دیده‌باشند و علاوه بر تخصص در رشته خود توانائی تدریس دروس مشابه مثلا فیزیک و شیمی یا فارسی و عربی و علوم دینی را داشته باشند.

برای کلاسهای دوره اول دبیرستان موقتا می‌توان از دبیران غیر لیسانسیه استفاده کرد مشروط به اینکه برنامه‌های کارآموزی برای آماده کردن آنان ترتیب داده شود

استفاده از لیسانسیه‌های آزاد هم بشرط اینکه در کلاسهای کارآموزی ۶ ماهه شرکت کرده و با فن تدریس آشنا شوند در حال حاضر مجاز است ولی با در نظر گرفتن این موضوع که برای اصلاح تعلیمات متوسطه و بهتر کردن کیفیت تدریس سالیانه لااقل ۲۰۰۰ دبیر لیسانسیه برای تدریس در دبیرستانها لازم است و هزینه تربیت يك نفر دبیر کمتر از صد

هزار ریال نخواهد شد باید کلیه امکانات مملکت صرف تربیت دبیر گردد و بدانشگاه تهران و دانشگاههای شهرستانها اجازه داده شود که بجای تاسیس رشته‌های غیر لازم و تحقیق درباره زبان‌های زنده یا مرده دنیا اقدام به تربیت دبیر نمایند و از وجود جوانان دیپلمه و بیکار و آماده بخدمت در راه توسعه فرهنگ و آموزش و پرورش عمومی استفاده کنند.

۸ - راهنمایی تعلیماتی در مدارس متوسطه

وضع تدریس و معلومات معلمان مدارس متوسطه رضایت‌بخش نیست. تشکیل کلاسهای کارآموزی بیشتر جنبه تشریفاتی و انتفاع مادی دارند و استفاده کامل بعمل نمی‌آید.

بنابر این احتیاج بوجود معلم راهنما بسیار محسوس است. اکثریت راهنمایان تعلیماتی فعلی افرادی اداری هستند که تجربه تعلیماتی آنها بسیار محدود است و نمیتوانند امر راهنمایی را بطریق موثری انجام دهند. در تعلیمات متوسطه احتیاج به تخصص زیاد است - تعداد راهنمایان تعلیماتی باید متناسب با دروس عمده اختصاصی باشد - شرط اصلی داشتن سوابق و تجربیات قابل ملاحظه در تدریس مواد متوسطه می‌باشد دانستن زبان خارجی یکی از شرایط عمده انتخاب راهنمایان تعلیماتی است زیرا برای اطلاع از فن تدریس و تطبیق معلومات با پیشرفتهای زمان این راهنمایان احتیاج به مطالعه مداوم دارند.

راهنمایان تعلیماتی نباید به کار دیگری بپردازند و برای خدمات آنها باید فوق العاده قابل ملاحظه‌ای در نظر گرفت در سالهای آتی میتوان اشخاص را برای راهنمایی تعلیماتی در مدارس متوسطه تربیت کرد ولی فعلا باید از وجود معلمان مجرب و صاحب صلاحیت استفاده نمود شاید در مواقعی لازم باشد چند معلم خوب را از مکار آموزشی بازدارند ولی نتیجه حاصل از آن در آتیه بسیار خوب خواهد بود. تغییر مقررات کارگزینی جهت پرداخت فوق العاده مناسب - تسهیلات مسافرت - پرداخت هزینه ایاب و ذهاب تربیت یک هیات مرکزی راهنمایان تعلیماتی که شرکت کنندگان در آن از بین افراد بصیر و علاقمند و کاردان مرکز و استانتها انتخاب شوند در بدو امر لازم است. امر نظارت بر کار معلمان و راهنمایی آنان باید بمقیاس وسیعی توسعه یابد در هر دبیرستان برای تدریس درس یا موضوع واحد باید گروه تعلیماتی به وجود آید و یکی از معلمان که سابقه و تجربه بیشتری دارد مدیریت گروه و مسئولیت پیشرفت برنامه و رسیدگی به کار معلمان و راهنمایی آنان را بعهده گیرد. این امر موجب خواهد شد که هماهنگی و وحدت نظر در تدریس برنامه و پیشرفت کار ایجاد شود - در مدرسی که معلمان بسیار تدریس می‌کنند گاه اتفاق می‌افتد که دروس نزدیک بهم مانند املاء و انشاء و قرائت فارسی تفکیک میشوند و معلم املاء از نحوه انجام کار معلم قرائت بی اطلاع است - یا معلم فیزیک کلاس پنجم

فقط نیمی از برنامه را تدریس می‌کنند و دانش آموز وقتی به کلاس ششم می‌رسد بسیاری از مطالب برایش بیگانه است و ۰۰۰۰۰۰ برای جلوگیری از این تشتت و ایجاد هماهنگی و وحدت نظر باید گروه‌های آموزشی را بخصوص از داخل دبیرستانهای بزرگ تشکیل داد در این مورد دستگاه مرکزی هدایت و راهنمایی تعلیماتی نقش مهم و قابل ملاحظه‌ای دارد

برای اصلاح کیفیت تعلیمات متوسطه و بهره‌برداری صحیح از تشکیلات موجود اقدامات دیگری نیز بموازات اصلاح برنامه و هدف تعلیمات متوسطه ضروری به نظر می‌رسد که عبارتند از :

- ۱ - تجدید نظر در سازمان اداری و آموزشی دبیرستانها
 - ۲ - تجدید نظر در آئین‌نامه های انجمن‌های خانه و مدرسه برای جلب همکاری اولیاء دانش آموزان .
 - ۳ - تجدید نظر در قوانین و مقررات موجود برای اعطاء امتیاز بیشتر به معلمان خدمت‌گزار و ترفیع و ارتقاء آنان بر مبنای فعالیت و حسن خدمت .
 - ۴ - توسعه رشته‌های فنی و حرفه‌ای و شعبات مختلف تعلیمات متوسطه با در نظر گرفتن احتیاجات منطقه‌ای
 - ۵ - استفاده از وسایل جدید تعلیم و تربیت مثل رادیو - فیلم - ضبط صوت و غیره بمقیاس وسیع جهت تسهیل امر یادگیری .
 - ۶ - تجدیدنظر در آئین‌نامه امتحانات و جلوگیری از بخت‌آزمایی و تقلب و تبعیض .
 - ۷ - تعیین قانون تمام وقت دبیران و تثبیت آنها در دبیرستان .
 - ۸ - تجدید نظر در آئین‌نامه دبیرستانهای ملی .
- بحث در باره هر یک از این مواد مستلزم وقت کافی و مطالعه لازم است و چه بسیارند همکاران عزیز و معلمان علاقه‌مند و مجرب و دلسوزی که ممکن است نظرات مفیدی داشته باشند .
- منتها این فرصت بر آنها فراهم نشده است که نظرات خود را عرضه کنند و یا امیدوار نبوده‌اند که عقاید و نظرات آنها مورد توجه قرار گیرد . امیدواریم در این دوره تحول اجتماعی این قبیل امکانات بیشتر فراهم گردد .